

از اختلاف نظر تا بودجه و وعده‌های بی‌نتیجه

چرا بعد از حدود ۲۰ سال ساخت موزه تئاتر همچنان بی‌نتیجه مانده است؟

محسن بوالحسنی
خبرنگار

بیاپید برای شروع این گزارش، اول سری به قدیمی‌ترین ساختمان تئاتر در ایران، یعنی تئاتر نصر بزنیم که زمزمه‌های تخریب و نابودی‌اش آن‌طور که در ادامه خواهیم گفت پیشنهاد و فکر تأسیس موزه تئاتر را روی زبان‌ها و کاغذها انداخت. تئاتر نصر، نوستالژیک‌ترین سالن برای خاک‌صحنه خورده‌ها و پیشکسوت‌های تئاتراست که بسیاری‌شان حالا دیگر در قید حیات نیستند اما کار خود را از همین ساختمان و صحنه همین تئاتر آغاز کرده‌اند؛ تئاتر نصری که باید آن را اولین تماشاخانه خصوصی ایران لقب داد، در روزگار خودش صاحب جلال و جبروتی بود و البته فراز و فرودهای بسیاری هم به عمر خود دید. بعد از انقلاب هم دست‌به‌دست شدن این تماشاخانه کاری از پیش نبرد و روزبه‌روز چهره‌ای فرسوده‌تر از قبل پیدا می‌کرد تا در نهایت این تماشاخانه مردادماه سال ۱۳۸۱ در حالی که میزبان نمایش «سی‌وهفت شاهی جناب میرزا» بود برای

آنچه نامش را مرمت و بازسازی گذاشته بودند، تعطیل شد. از همین سال بود که زمزمه‌های پیشنهاد تأسیس موزه تئاتر و درست زمانی که بحث ساختمان روبه‌تخریب و به یغما رفته تئاتر نصر رسانه‌ای شد، شکل جدی به خود گرفت و بسیاری از هنرمندانی که خاک همین صحنه را خورده بودند پیشنهاد تبدیل این تماشاخانه را به موزه تئاتر دادند. چهره‌هایی چون مرحوم عزت‌الله انتظامی و محمود عزیزی از اعضای بخش تئاتری فرهنگستان راه‌اندازی این موزه را ضروری دانستند و خواستار کمک و همیاری سازمان‌های دولتی در این زمینه شدند. بعد از چند سال، یعنی در سال ۱۳۸۵ طی جلسه ۵۹۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار شد موزه تئاتر ایران تأسیس و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اساسنامه این موزه را تهیه و تصویب آن را حسب صلاحدید به شورای عالی انقلاب فرهنگی پیشنهاد کند. حالا اما با گذشت چیزی حدود دو دهه، همچنان افتتاح موزه تئاتر منتفی به‌نظر می‌آید و افق روشنی پیش چشم نمی‌بیند. بعد از به سرانجام نرسیدن طرح به موزه تبدیل شدن ساختمان تئاتر

نصر، سال ۱۳۹۶ مهدی شفيعی مدیرکل وقت هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد ساختمانی با متراژ ۷۵۰ متر مربعی برای موزه تئاتر خریداری شده و قرار است این موزه تا پایان همین سال افتتاح شود و حتی بهروز غریب‌پور مسئولیت طراحی و مدیریت اجرایی این موزه را به‌عهده گرفت و باز هم اصل تأسیس موزه تئاتر، تا شدنی‌ترین شکل ممکن‌اش پیش رفت اما هرگز محقق نشد و با وجود انجام تمامی جنبه‌های رسمی و حقوقی هیچ ساختمانی تاپلو موزه تئاتر را بر سر در خود ندید. چرایی این ماجرا و دلایل عدم موفقیت در تأسیس چنین موزه‌ای بعد از حدود ۲۰ سال پیگیری و فراز و فرودهای بسیار و همچنین لزوم تأسیس موزه تئاتر (آن هم برای مملکتی که تئاتری غنی به پشتوانه یک‌قرن و نیم فعالیت دارد) را از چهره‌هایی پرسیده‌ایم که پیگیر کار تأسیس این موزه بوده‌اند و از نزدیک با دلایل عدم موفقیت این طرح آشنایی دارند، هم‌چنان افتتاح موزه تئاتر منتفی به‌نظر می‌آید و افق روشنی پیش چشم

زبان آنها در گفت‌وگو با «ایران» بخوانید.

از دغدغه‌های واقعی تا وعده‌های پوچ

بهروز غریب‌پور/طراح و مدیر اجرایی موزه تئاتر ایران: سال ۱۳۹۶ در حد فاصل تئاتر شهر و تالار وحدت ساختمانی خریداری شد و با من صحبت شد که آن را برای کاربری موزه تئاتر طراحی و مدیریت کنم. ما بررسی‌های لازم را روی ساختمان انجام دادیم و متوجه شدیم این ساختمان در دوره‌ای ساخته شده که نظارت خوبی روی ساخت و استحکامش انجام نشده و چون بحث مخاطب و مراجعه‌کنندگان را داشتیم طراحی مجدد انجام دادیم و همه کارهایش انجام شد تا در نهایت به این طرح رسیدیم که این ساختمان به‌عنوان موزه تئاتر، هفت طبقه (دو طبقه زیر زمین و پنج طبقه) را شامل شود. کارکردهای مختلفی برای این فضا در نظر گرفته شد تا اینکه به بحران بودجه شدیدی در مرکز هنرهای نمایشی برخوردیم و به‌همین دلیل هم ادامه کار متوقف شد. قرار بود ساختمان موزه ظرف پنج ماه افتتاح شود اما با بروز این مشکل کار تا زمان مدیریت شهرام کریمی ادامه پیدا کرد. در زمان آقای کریمی جلسه‌ای با هم داشتیم و قول دادند که این کار حتماً انجام شود و انجام نشد و در همین دوره با آقای آشنا هم جلسه مفصلی داشتیم و در ابتدای ورودشان به مرکز هنرهای نمایشی و همین جلسه‌ای که با هم داشتیم قول دادند که هر طور شده این بودجه تأمین شود. در جلسات بعدی اما طبق گفته خودشان مشخص شد بودجه فراهم شده اما صرف پرداخت طلب‌های معوقه سالیان سال مرکز هنرهای نمایشی به هنرمندان شده و بودجه‌ای برای آماده‌سازی و افتتاح موزه تئاتر وجود نداشت. به هر صورت اصل موضوع منتفی نشده و سرانجام‌اش هم بالاتکلیف است و نمی‌توانم به این زودی‌ها لاف روشنی برای افتتاح این موزه منصور باشم، تا آن‌جا که من از موضع قادر آشنا مدیرکل فعلی مرکز هنرهای نمایشی، خبر دارم می‌دانم که تلاش دارند این کار را عملی کنند اما اینکه یی و چطور این اتفاق بیفتد را نمی‌شود پیش‌بینی کرد. زمانی که قرار شد موزه را ظرف مدت پنج ماه تحویل بدهم گروه‌های مختلفی وارد کار کردم تا سریع‌تر کارها را پیش ببریم مثلاً گروهی اسناد و مدارک وهر آنچه مربوط به تاریخ تئاتر ایران و حتی آیین‌ها و سنت‌های نمایشی ایران

روایتی برای آینده

ایرج راد/رئیس خانه تئاتر: طی حدود هجده سال گذشته تلاش‌های بسیاری شد تا تئاتر ایران بالاخره صاحب جا و مکانی شود تحت عنوان موزه تا آنچه ما از تاریخ این مملکت در دست داریم و به اواخر دوران قاجار برمی‌گردد، حفظ کنیم اما مدام وبه دلایل مختلف هر حرکتی در نهایت به ناکامی منتهی شد. در واقع از اوایل دهه هشتاد که بحث موزه پیش آمد و رسیدیم به مسأله تئاتر نصر و مرمتش و رسیدن به تصمیم موزه شدن این تئاتر حالا سال‌ها می‌گذرد و این تصمیم و اصل و اساس دستخوش فراز و فرودهای بسیاری شد که دامنه‌اش از بودجه تا اختلاف نظر درباره ساختمان مناسب برای این کار را شامل می‌شود. من در بطن و متن این مسیر دشوار بوده‌ام و درباره تئاتر نصر می‌توانم بگویم درباره این تماشاخانه تاریخی ایران که امروز در محلی واقع شده که هیچ سختی با تئاتر ندارد، درگیری‌های عجیب و غریب و تصمیم به‌هر دری زده‌یم سخته بود. این تماشاخانه که همان سال ۱۳۸۱ بالاخره ثبت ملی شد و تفاهنامه‌ای بین کمیته امداد امام خمینی به‌عنوان مالک و جهاد دانشگاهی که سرقتلی این بنا را در اختیار داشت با شهرداری تهران امضا شد و در نهایت تملک این بنا در اختیار سازمان زیباسازی شهرداری تهران در آمد تا این ساختمان مرمت و در نهایت به موزه تبدیل شود. یکی دوبار هم از ساختمان بازدید کردیم و خب برای موزه شدن مشکلاتی در این زمینه وجود داشت از قبیل کاربری خیابان سعدی امروزی که باید فکری جدی برایش می‌شد که چنین اتفاقی هم نیفتاد. یکی از کارهای خوبی که بالاخره انجام شد خرید ملکی در مرکز شهر تهران بود که در دوران مدیریت مهدی شفيعی اتفاق افتاد و قرار بود این ساختمان تبدیل به موزه شود و مسئولیت طراحی و اجرایش تا مرحله افتتاح با بهروز غریب‌پور باشد اما بعد از رفتن شفيعی از اداره کل هنرهای نمایشی نظرها تغییر کرد و گفتند این ساختمان کوچک و قدیمی است و ممکن است در آینده شهرداری دست روی تخریش بگذارد و حرف‌هایی از این دست. همان سال‌ها مالکان یک فروشگاه بزرگ که دقیقاً چسبیده به خانه تئاتر جدید در خیابان سمیه به ما پیشنهاد خرید ملک‌شان را دادند و چون ملک بسیار موقعیت خوبی و قیمت مناسبی هم داشت

مسأله را با شهرداری مطرح کردم و بنا به دلایلی این کار هم به نتیجه نرسید و آن ملک امروز قیمتی چندین برابر از آن سال‌ها دارد و اصلاً نمی‌شود حتی نزدیکش شد. امروز هم این پیشنهاد و نظریه وجود دارد که اگر دولت و نهادهای ذی‌ربط کمک کنند می‌توانیم همین ساختمان جدید تئاتر را به موزه تبدیل کنیم تا اسناد گرانقدری که داریم پیش از مضحمل شدن به آنجا منتقل شوند و این پیشنهاد هم در حال بررسی و مشورت است و جلسه‌های مختلف درباره‌اش برگزار می‌شود اما هنوز به نتیجه قطعی نرسیده‌ایم. به‌هر صورت اینها میراث و تاریخ هنر تئاتر این سرزمین است و نباید بگذاریم با تعلل‌هایی این چنین از بین برود و به‌همین خاطر هم فعلاً آنچه را در دست داریم در خانه تئاتر نگهداری می‌کنیم و البته نگهداری این اسناد کار بسیار دشوار و هزینه‌بری است. مثلاً همسر مرحوم مصطفی اسکویی بعضی از آرشیو شخصی ایشان را که مربوط به تئاتر «آناهیتا» بود، در اختیار ما قرار دادند و الان در خانه تئاتر نگهداری می‌شود که شامل نوارهای گفت‌وگو، یکسری عکس است و البته تنها نسخه از تنها فیلمی که گروه آناهیتا ساخت، از طرف دیگر توانستیم پوسترهای قدیمی را که به زمان احمدشاه قاجار برمی‌گردد، خریداری کردیم و تعدادی فیلم ۱۶ میلی‌متری مربوط به تعزیه‌ه و... به عقیده من اگر مدیران فرهنگی ما بواقع اهمیت موزه را درک کنند و این مسأله دغدغه فرهنگی‌شان باشد که تاریخ هنر این مملکت را باید حفظ کرد و آن را به آیندگان رساند تنها و بهترین راه‌کارش انتقال آنها به موزه است و ضرب‌الاجل برای تأسیس این موزه، اگر این ارزش درک شود سرمایه‌گذاری هم روی آن خواهد شد

و البته این را هم در نظر بگیریم که این کار سرمایه عجیب و غریبی هم نمی‌خواهد و بیش از هر چیزی نیازمند یک درک درست از اهمیت این کار است. نسل امروز باید بداند این تئاتر، از کجا آمده، چه کسانی در پیشبرد و ترقی آن عرق ریخته و خون دل خورده‌اند و چه اقداماتی در این زمینه در طول تاریخ انجام شده اما متأسفانه اگر بخواهیم بی‌تعارف حرف بزنم حتی دانشجویان ما آن چنان شناختی نسبت به گذشته تئاتر ایران ندارند و بخش اعظمی از این آگاهی بخشی و حفظ میراث گذشته کاری است که باید در موزه تعریف شود.

کوتاه از دو موزه تئاتر معروف دنیا

■ موزه دولتی تئاتر آذربایجان

موزه دولتی تئاتر آذربایجان یکی از کانون‌های فرهنگی غنی و معروف جمهوری آذربایجان است که حدود بیش از ۱۳۵ هزار اشیای نمایشی در خود جای

داده و در «مرکز موزه» باکو قرار دارد. تأسیس و راه‌اندازی این موزه به سال ۱۹۳۴ بازمی‌گردد. مراسم افتتاحیه موزه ۲۵ دسامبر سال ۱۹۳۵ با حضور هنرمندان مطرح وقت مثل بولبول، شوکت محمداو، حسین قلی سراپسکی، الکساندر توفانوف، اولو و جب، اسماعیل هدایت‌زاده و غیره... برگزار شد. در نهایت سال ۱۹۶۳، موزه دولتی تئاتر آذربایجان تعطیل و به شعبه تئاتر و نمایش‌نامه موزه ادبیات آذربایجان تبدیل شد.



■ سالن تئاتر شکسپیرز

گلوب سالن تئاتر شکسپیرز گلوب بنای بازسازی‌شده سالن تئاتر گلوب در انگلستان، سالنی است که سال‌ها با ویلیام

شکسپیر همکاری داشت. بنای اصلی تئاتر گلوب سال ۱۵۹۹ ساخته و سال ۱۶۱۳ در اثر آتش‌سوزی ویران شد و بار دیگر سال ۱۶۱۴ گلوب مورد بازسازی قرار گرفت و دوباره در سال ۱۶۳۳ نابود شد.

شکسپیرز گلوب به‌عنوان منبعی بین‌المللی و منحصر‌به‌فرد، به بازایی و پژوهش آثار شکسپیر اختصاص دارد.



به حداقل‌ها راضی نیستیم

قادر آشنا، مدیرکل مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: دوستان و همکاران من، پیش از حضور من در اداره کل هنرهای نمایشی زحمات بسیاری برای احداث و افتتاح موزه تئاتر ایران متحمل شدند که واقعاً جای تقدیر و دست‌میزاد دارد. سال‌هاست از مصوبه لازم‌الاجرای تأسیس خانه‌تئاتر می‌گذرد و باید موضوع عملیاتی می‌شد که به‌دلایلی تا امروز این اتفاق نیفتاده است. در ماده واحده تأسیس موزه تئاتر ایران مصوب پانصد و نود و سومین جلسه مورخ ۱۳۸۵/۰۸/۲۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی به صراحت عنوان شده که به منظور تحقق اهداف فرهنگی و هنری جمهوری اسلامی ایران و در جهت حفظ و پاسداری از آثار گذشتگان در زمینه فعالیت‌های هنری و نمایشی و با عنایت به اهمیت اعتلای هنرهای ملی، محلی و بومی و ایجاد فرصت لازم به‌منظور تحقیق و پژوهش برای متخصصان و پژوهشگران عرصه هنر نمایش، موزه تئاتر ایران زیرنظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأسیس شود و امروز از مصوبه حدود ۱۵ سال می‌گذرد، طی این سال‌ها بحث‌های مفصلی درباره مکان مناسب برای احداث این موزه وجود داشت و هر کدام هم مسأله‌های خاص خود را داشت و باعث شد این مصوبه عملیاتی نشود.

تئاتر نصر که وضعیتش مشخص است و تقریباً دیگر در اختیار ما نیست که بتوانیم کاری آنجا انجام بدهیم و غیر از این هم از نظر ما به لحاظ شرایط امروزی مکان جغرافیایی‌اش مناسب این کار نیست. ساختمانی که پیش از این خریداری شد و از نظر ما کار بسیار بزرگ و تحسین برانگیزی بود، امروز میزبان کانون‌های ماست و به‌نظر من ساختمانی قدیمی که موقعیت مسکونی دارد برای تبدیل به موزه، مشکلات بزرگی سر راه خود خواهد داشت که یکی از آنها همین تغییر کاربری از مسکونی به اداری و پس از آن تکمیل شدن‌اش در مرحله سوم به کاربری تجاری است که با توجه به قدمت ملک و موقعیت‌اش از نظر ما چنین کاری مقرون به صرفه نیست و دولت ترجیح می‌دهد روی ساختمان ملکی کار کند که روی آن اشراف، اختیار و تملک کامل داشته باشد. با همه اینها مشکل اصلی و بزرگ در حال حاضر به‌صورت خاص و روشن بحث



مالی و تأمین بودجه است. البته چند روز پیش جلسه‌ای داشتیم و دنبال این هستیم تا فضای اداره تئاتر را به این موزه اختصاص بدهیم و در این خصوص با کارشناسان امر هم صحبت کرده‌ایم و نظر آنها هم این است که اگر بخواهیم این ساختمان را مقاوم‌سازی کنیم مقرون به صرفه نیست و به‌ترتیب راه تخریب و ساخت مجدد ساختمان است و نقشی‌ای که در آن مطابق نیاز روز طراحی موزه هم در آن در نظر گرفته شود. این مسأله البته هنوز وارد فاز عملیاتی نشده و نیاز به گفت‌وگوی بیشتری دارد. مسأله به ثمر و نتیجه رسیدن موزه تئاتر برای من اولویت و دغدغه‌ای ویژه است و همان هفته اول وبه محض ورودم به مرکز، بحث این موضوع را به‌عنوان یکی از سرفصل‌های اصلی در دستور کار قرار دادم و در همین راستا با بهروز غریب‌پور جلساتی تشکیل دادیم و مطالعاتی انجام شد و به این نتیجه رسیدیم که اگر بخواهیم کار ماندگاری انجام بدهیم باید این کار را در ساختمانی جدیدالحداث پی بگیریم و سازو کارهای خاصی برایش تعریف کنیم. به‌عقیده من وقتی قرار است موزه‌ای برای تئاتر داشته باشیم باید نام و نشان و اصالت مکان و موضوع به هم ربط داشته باشند و نمی‌توانیم در این مسیر خود را درگیر سازوکارها و بروکراسی‌های پیچیده اداری کنیم. البته نمی‌خواهم بگویم که این کار منتفی است و از این ساختمان قطع نظر کرده‌ایم؛ خیر، ما همچنان به‌عنوان یکی از گزینه‌های اصلی روی آن فکر و کار می‌کنیم ولی همان‌طور که گفته شد واقعیت این است که دولت ترجیح می‌دهد روی ملکی کار کند که مال خودش باشد و اختیار کاملی روی آن داشته باشد. به عقیده من اگر خانه تئاتر بازسازی و نوسازی شود بهترین مکان برای موزه تئاتر خواهد بود و چنین اتفاقی اگر وارد پروسه اجرایی شود هم نقشه‌ها مبتنی بر نیاز روز طراحی می‌شوند و هم اینکه دولت روی ملک خودش سرمایه‌گذاری می‌کند. به‌نظر من اگر قرار است کاری انجام شود، حتماً باید در بهترین شکل ممکن

و بهترین شرایط اتفاق بیفتد و به‌همین دلیل هم اصرار من بازسازی خانه تئاتر و بهره‌برداری از موزه در این ساختمان است چون ساخت مجددش ظرفیت‌های لازم و مدنظر ما را برآورده می‌کند. روی صحبت ابتدایی خودم دوباره تأکید می‌کنم که من برای همه تلاش‌های دوستانم در این زمینه بسیار احترام قائلم ولی از نظر شخصی عقیده من به این اصل استوار است که برای انجام هر کاری هزینه و فایده نسبت به کاری که انجام می‌دهیم باید با هم تناسب داشته باشند. من به حداقل‌ها راضی نیستم و مسأله‌ام این است که صرفاً کاری انجام شود بلکه معتقدم اگر می‌خواهیم انجام بدهیم باید به بهترین شکل انجامش بدهیم.

